



شکاف در اردوی ژرمنها

بررسی بحران در کابینه **اولاف شولتز** صدراعظم آلمان و پیامدهای آن بر اروپا



مرگ ۱۳ دانش آموز بر اثر خودکشی

گزارشی از تعداد خودکشی دانش آموزان در ۸ ماه گذشته و رویکردهای رسانه‌ای به آن



خدمتگزار یا قیام؟

بررسی اظهارات **رضا تقی‌پور** در دفاع از مسدود شدن شبکه‌های اجتماعی



رؤسای جمهور و میراث دولت قبل

رفتارشناسی مسعود پزشکیان در مقایسه با دیگر رؤسای جمهور

سرمقاله

درهم‌تیدگی مسائل ایران

پیمایش‌های موجود نشان می‌دهد که بخش مهمی از مردم ایران یا خواهان اصلاحات بنیادین هستند یا حتی اصلاحات را موثر هم نمی‌دانند. تعداد بسیار کمی از وضع موجود دفاع می‌کنند. این برداشت مردم ناشی از این واقعیت روشن است که مسائل ایران را دیگر نمی‌توان به صورت موردی و با تغییر اصلاحات فنی و جزئی حل کرد. اگر یک خودرو پنجره شود، به شکل موردی آن پنجره گرفته می‌شود. ولی گاه وضعیت خودرو به گونه‌ای است که باید تحت تغییرات و تعمیرات اساسی قرار گیرد. برای اثبات این ادعا کافی است نگاهی به مطالب مهم امروز روزنامه «هم‌میهن» ببینیم. ۵ مورد مهم شامل این موارد می‌شود: آزاد شدن بنزین سوپر؛ تبعات قطع برق بر صنایع؛ حواشی حضور ایران در اجلاس تغییر اقلیم باکو و عدم شرکت رئیس‌جمهور ایران در آن؛ گزارشی درباره نحوه مواجهه پزشکیان با دولت قبل و مقایسه رفتار سیاسی او با رؤسای جمهور قبل؛ و سخنان آقای پزشکیان درباره آمریکا.

ظاهراً دو مورد ملموس آن درباره حمل‌های انرژی است. ولی کیست که نداند ارتباط این مسئله با موضوع جهانی تغییرات اقلیمی بسیار زیاد است و چه‌بسا دریا زود مجبور شویم که هزینه سنگینی را بابت عدم تطابق سیاست انرژی خود در زمینه کاهش گازهای گلخانه‌ای یا استانداردهای بین‌المللی بپردازیم که اکنون یکی از بالاترین‌های جهان هستیم (به نسبت اقتصاد و جمعیت) و روشن است که وضعیت انرژی کشور بیش از هر چیز متأثر از سیاست خارجی ماست که نحوه تعامل ما با ایالات متحده در مرکز این سیاست قرار دارد؛ و بالاخره عدم حل این مشکلات فقط ناشی از ناآگاهی نسبت به مشکلات نیست، بلکه بیش از هر چیز به دلیل شکاف سیاسی در داخل است. شکافی که ایده‌وفاق پزشکیان برای پاسخ به آن است. نکته مهم دیگری که در شکل‌گیری این بحران‌ها وجود دارد و نباید فراموش کرد، بی‌صدافتی و عدم شفافیتی است که بعضاً در ساختار اداری ایران دیده می‌شود. امیدوارم بر اساس وعده‌های که پزشکیان داده، دولت او از دروغ پرهیز کند؛ زیرا دروغ در سیاست ابتدا برای فریب رقیب و مردم گفته می‌شود ولی در نهایت دروغ‌گویان و پنهان‌کنندگان حقیقت اسیر توره‌های دروغی می‌شوند که خودشان آنها را بافته‌اند. وارونه کردن واقعیت در دولت قبل بیش از همه وپال همان دولت و مردم شد. برای نمونه در موضوع مهم برق که اکنون به مرحله خاموشی رسیده است، یک کارشناس ارشد انرژی توضیح می‌دهد که دولت قبل با نیم‌تراوات ساعت خاموشی صنایع صنعت برق را تحویل گرفت و با ۷ برابر افزایش یعنی بیش از ۳/۵ تراوات ساعت خاموشی به دولت دکتر پزشکیان تحویل داد. ناترازی برق را حدود ۶ هزار مگاوات از دولت روحانی تحویل گرفت و با ۲۱ هزار مگاوات ناترازی آن را به دولت پزشکیان تحویل داد. همه اینها در حالی است که آن رئیس دولت خود را قانع می‌کردند که برق در مسیر بهبودی است و همه تقصیرات را هم به دوش دولت‌های پیشین می‌انداختند. درحالی که آنها وظیفه داشتند که مسائل را مطابق وعده‌های داده‌شده حل کنند. آن اندازه دنبال اختلافات داخلی بودند و از آن لذت می‌بردند و حتی از این هم خوشحال شدند که دولت پزشکیان را گرفتار در زمستان سرد کرده‌اند. آنان که منتظر زمستان سخت برای اروپا بودند تا بلکه از این نمد کلاهی برای خود بپوشانند و نتوانستند. حالا دل خود را برای زمستان سردی خوش کرده‌اند که برای مردم و ولی نعمت‌های خود ایجاد کرده‌اند. آنان که ظرفیت تولید گاز را به حداقل رساندند و مانع اجرایی شدن قرارداد کرسنت شدند و چند دهه گازهای کشور را سوزاندند و با هیاهوهای ضدتوسعه و ضدبرجام شرکت توتال را از پارس جنوبی خارج کردند و پروژه خود را به قطر برد. اکنون خوشحال هستند که مردم و صنعت بدون گاز هستند؛ درحالی که مردم ایران روی منابع گاز نشسته‌اند. این حد از نفرت‌پرکنی و قدرت‌طلبی در تاریخ و سیاست کم‌سابقه است. امیدواریم آقای پزشکیان با تکیه بر ایده‌وفاق بتواند هم‌زمان به‌سوی حل مسائل خارجی و موضوعات اساسی داخلی حرکت کند. شانس‌های ایران برای عبور از بحران‌های فراوانه، دائمی نیست.

نگاه هم‌میهن

سفر خطیر گروسی



احمد زیدآبادی

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار است شامگاه امروز وارد تهران شود. این نخستین سفر آقای گروسی به تهران پس از انتخاب مسعود پزشکیان به ریاست جمهوری ایران است. پس از خروج دونالد ترامپ از توافقتنامه برجام، روابط ایران و آژانس هم دچار تنش‌های دوره‌ای شده است. اینک با ورود دوباره ترامپ به کاخ سفید، انتظار می‌رود که پرونده هسته‌ای ایران در مرکز ثقل توجه جهانی قرار گیرد. از همین رو، دیدار گروسی از تهران و نتیجه مذاکراتش با مقام‌های ایرانی، مهمترین امری است که آینده منطقه خاورمیانه را رقم می‌زند. گروسی معمولاً از «ضعف دسترسی بازرسان آژانس بین‌المللی به مراکز هسته‌ای ایران و عدم دریافت پاسخ مناسب در مورد پرسش‌های مربوط به فعالیت در چند مرکز خاص» اظهار گلایه و ناخرسندی کرده و خواهان همکاری نزدیک‌تر ایران با بازرسان آژانس در این زمینه شده است. آقای گروسی گرچه دارای یک سمت عمدتاً تخصصی و حرفه‌ای است اما سیاستمداری نیز است. زیرک و با زرنگی‌های مخصوص به خود است. بنابراین، احتمال اینکه او در مذاکراتش با مقام‌های ایرانی از بحث‌های تخصصی فراتر رود و بخواهد از تأثیر به قدرت رسیدن ترامپ در آمریکا و تهدیدهای دولت نتانیاهو علیه برنامه هسته‌ای ایران در چانه‌زنی با طرف‌های ایرانی استفاده کند، بسیار است. در مخالفت ترامپ با برنامه هسته‌ای ایران جای تردیدی وجود ندارد. او در نخستین دور ریاست جمهوری خود، از توافقتنامه برجام خارج شد تا با اعمال سیاست «فشار حداکثری» طرف ایرانی را به معامله‌ای متفاوت با آمریکا در این باره وادار سازد. ظاهراً او هنوز بر همین نظر است و با توجه به همکاری که برای تشکیل دولت خود انتخاب می‌کند، جز احیای «سیاست فشار حداکثری» و رسیدن به توافقی منطبق با علائق خود در مورد برنامه هسته‌ای ایران، سودای دیگری در سر ندارد. گروسی در مذاکراتش با طرف ایرانی به احتمال زیاد بر این نکته انگشت خواهد گذاشت، اما خطرات و تهدیدهای فوری‌تری هم وجود دارد. دولت بنیامین نتانیاهو در اسرائیل، ظاهراً تمام قدرت دیپلماتیک خود را به کار گرفته است تا ترامپ را نسبت به لزوم حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران متقاعد سازد. از نگاه دولت نتانیاهو، برنامه هسته‌ای ایران به قدری پیشرفت کرده که به صورت «شمشیری بالای سر اسرائیل» درآمده است. مقام‌های رسمی اسرائیل از بیان صریح این سخن ابایی ندارند و به‌خصوص در روزهای اخیر اسرائیل کاتر، وزیر دفاع جدید دولت نتانیاهو به‌طور بی‌سابقه‌ای بر لزوم حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران تأکید می‌کند. به نظر می‌رسد که اسرائیل کاتر تا اندازه‌ای به همین دلیل به عنوان وزیر دفاع اسرائیل معرفی شده است. یوآف گالاتانت، سلف کاتر به‌رغم ویژگی‌های خشن نظامی‌اش، در تصمیم‌گیری‌های مهم در مجموع فردی محتاط بود. بعد از برکناری او، نتانیاهو تلویحاً فاش کرد که گالاتانت با انفجار بیجرهای مورد استفاده نیروهای حزب‌الله و ترور سیدحسین نصرالله مخالف بوده و او خود راساً بر انجام این دو عملیات پای فشرده است. کاتر اما اهل احتیاط به نظر نمی‌رسد. او را عمدتاً «ایزاری در دست نتانیاهو» معرفی می‌کنند که نظرات رئیس خود را تکرار و اجرامی کند. به عبارت دیگر، کاتر در دایره «نوجه‌های نتانیاهو» قرار می‌گیرد. در تشکیلات حزب لیکود تنی چند از چهره‌های مطرح به این عنوان شهرت پیدا کرده‌اند.



نقشه راه

اظهارات صریح پزشکیان در نشست با وزرای خارجه و دیپلمات‌های شاخص نظام: چه خواهیم چه نخواهیم با آمریکا مواجه می‌شویم بهتر است این عرصه را خودمان مدیریت کنیم

مواجهه با آمریکا



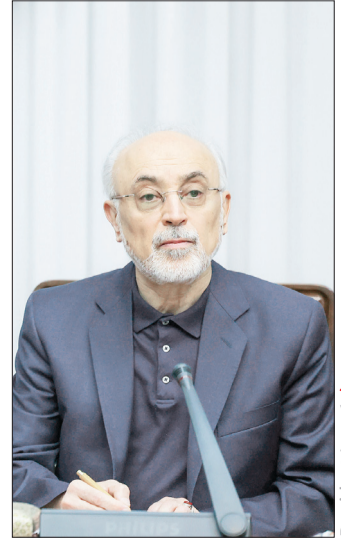
دیاکو حسینی تحلیلگر مسائل آمریکا

اگر آمریکایی‌ها هم به این جمع‌بندی رسیده باشند که تنازع با ایران ادامه پیدا نکند. این تنازع در میان مدت و بلندمدت به سود منافع ایالات متحده نیست. می‌توانیم در باره موضوعاتی به توافق برسیم یا حدودی را در ارتباط با هم رعایت کنیم. حتی در یک گام فراتر ممکن است بتوانیم منافع مشترکی را تعریف کنیم. چون ایران و آمریکا به‌زعم اختلافات، در وجوهی باهم اشتراک دارند. بی‌ثباتی در منطقه به نفع هیچ کدام نیست.



ساسان کریمی پژوهشگر دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران

همانطور که تعامل الزاماً به معنی همکاری نیست، مواجهه هم به معنی تقابل نیست. به هر حال ما باید با این مسئله مواجه شویم. طبیعتاً بهترین و کم‌خسارت‌ترین راه مبادله از میان دو طرف، مذاکره‌ای مستقیم است. بعضی وقت‌ها شرایط به دلایل مختلف سیاسی و غیرسیاسی مساعد و ترجیح کشور بر مذاکره مستقیم نیست. آن چیزی که الان می‌تواند اتفاق بیفتد، فکر کردن در مورد دولت آقای ترامپ است.



رئیس‌ها: President